

خلاصت یا خط «ستون پنجم»؟!

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود را واکنش به بیانیه جبهه اصلاحات نوشت: ستون پنجم دشمن اگر چه همه تلاش خود را به کار

می گیرد که شناخته نشود، ولی همخوانی و همسویی ستون پنجم با اهداف اعلام‌شده دشمن می تواند نشانه‌ای از هویت اجار‌های آنها باشد. نویسنده اضافه کرده است: نتانیاهو و ترامپ، در اولین ساعات بعد از حمله نظامی به ایران با صراحت اعلام کردند که هدف اصلی آنها از این حمله، تغییر نظام جمهوری اسلامی است و در اظهارات تلویزیونی خود آشکارا از واژه «تغییر رژیم- Regime change» استفاده کردند. حال‌بعد از شکست اسرائیل و آمریکا در جنگ ۱۲ روزه و بر یاد رفتن آرزوی رسماً اعلام شده آنها برای تغییر نظام، به مواضع چریان غرب‌گرا در داخل کشور و شماری از مدعیان اصلاحات و مخصوصاً بیانیه جبهه اصلاحات نگاهی بیندازید. صدور بیانیه با مضمون رفاندوم و تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر قانون اساسی (همان تغییر نظام). دهها مصاحبه و مقاله در رسانه‌های تحت مدیریت‌شان در داخل و رسانه‌های خارجی و تأکید بر تغییر پارادایم (یعنی همان تغییر نظام) و... دهها پیشنهاد دیگر با سمت و سوی تغییر مبانی و اصول نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، یعنی دقیقاً همان خواسته رسماً اعلام‌شده و بر یاد رفته امریکا و رژیم‌صهیونیستی از حمله نظامی به ایران اسلامی. این احتمال را نمی‌توان نادیده گرفت که در پاره‌ای از موارد، یک فرد یا یک جریان سیاسی بی‌آنکه به یک کانون بیرونی وابسته باشد و صرفاً از سر ناآگاهی و بی‌اطلاعی و به خطا، زبان دشمن را به کام گرفته و موضوعی همسو با دشمن اتخاذ کند، ولی باید توجه داشت که خطا اگر پی‌درپی تکرار شود و این تکرار در یک جهت خاص و مشابه نیز باشد، دیگر نمی‌توان و نباید آن را «خطا» دانست! خطای تکراری، «خط» است! و عبور بی تفاوت از آن ساده‌لوحی است.

سند تسلیم یا طرح نجات؟

روزنامه صبح‌تو صبح‌تو در یادداشتی در نقد بیانیه جبهه اصلاحات نوشت: بیانیه جبهه اصلاحات ایران سندی است که بیش از آنکه برای نجات کشور نگاشته شده باشد، ارهامی عملیاتی برای مخالفان کشور محسوب می‌شود. این متن که با واژگان فریبنده «آشتی ملی» و «بازگشت به مردم» آراسته شده، در عمق خود نشانه‌های آشکار تسلیم و انکسار را بازنائب می‌دهد؛ خطی خلط‌خاراک که ستون فقرات گفتمان تغییر طلبان بنیادی در هفته‌های اخیر بوده است، از درخواست هم‌حسین گرفته تا پیشنهاد مصطفی‌مبین و بیانیه‌ها و نامه‌هایی که جنگلی مسئولیت اصلاحات در چند دهه و به‌ویژه دهه ۹۰ را فراموش کرده است. همگی نسبت به «هگنانیسم ماشه» هشدار می‌دهند، حال آنکه محسول غفلت خام‌اندیشانه و لیخنده‌های ساده‌لوحانه است و حالا باید نسبت به ملت ایران پاسخ دهند. اصلاح‌طلبان در بدترین زمان ممکن، یعنی پس از نمایش قدرت بازدارندگی ایران در عملیات وعده‌صادق۳، چنان بی‌بیهایی منتشر کردند که گویی هیچ‌گاه شاهد شکست نظریه «هشار حد اکثری» و تا‌نکامی استراتژی غربی نبوده‌اند. حالا و در شرایطی که دشمن پس از آزمون شناسن خود و قمار بر برابر ایران، سبلی سختی خورده است، چندندستگی و اظهارت مبتنی بر تضییع منافع ملی ایرانیان و سبکناز چندندبایی، چیزی جز بازی در زمین دشمن است؟! آنچه در این بیانیه به عنوان «آه خروج از بحران» معرفی می‌شود، دقیقاً همان مطالباتی است که اسرائیل و آمریکا دهه‌هاست برای تحقق آن فشار می‌آورند. این بیانیه می‌خواهد آنچه را که دشمن با جنگ اقتصادی، تحریر و جنگ ترانواست به دست آورد، در قالب امه‌ذاکره و تعامل» به او هدیه دهد. نویسنده اضافه کرده است: در شرایطی که کشور نیازمند انسجام و وحدت ملی است، چنین بی‌بیهایی‌ای برای ایجاد و تعمیق شکاف‌ها و تقویت موضع دشمنان خواهد انجامید.

تغییر پارادایم در ذهن‌های غرب‌زده

روزنامه رسالت در یادداشت دیروز خود نوشت: این روزها برخی از فعالان سیاسی با لحنی دلسوزانه سخن از «تغییر پارادایم» به میان می‌آورند. در ظاهر، این تعبیر جذاب است و بوی نوگرایی می‌دهد، اما در باطن، نشانی نادرستی می‌دهد و می‌تواند ملت را دوباره به بیراهه بکشاند. چرا که پارادایم انقلاب اسلامی خود زنده، پویا و متحول است؛ انقلابی که منبعث از اسلام است و همچون حقیقت دین، ذاتاً در حال بالندگی و حرکت است، بنابراین نیازی به تغییر پارادایم انقلاب نیست، بلکه آنچه نیازمند تغییر فوری است، ذهن‌های کوچک و زنگ‌زده‌ای است که با غرب‌زدگی و خودباختگی، مانع در خشن این حقیقت می‌شوند.

غرب‌زدگی یک بیماری مزمن در بخشی از نخبگان ماست؛ نگاهی که همواره به جای اتکا بر ظرفیت‌های ملت و ایمان به توان داخلی، چشم به دست بیگانگان داشته و به امید سسینه‌های غربی نشسته است. نویسنده اضافه کرده است: تاریخ‌نشان داده است که هر بار نگاه خوابخته به غرب غلبه کرده، نتیجه‌چیز تحقیر، هشار و خیانت نبوده است. در سال‌های اخیر نیز نمونه‌های دیگری را تجربه کرده‌ایم، از مذاکراتی که قرار بر تداکد گشایش اقتصادی باشد اما جز افزایش تحریم و بی‌اعتمادی کمتر نباشد تا قرار داد‌هایی که با هزار امید بسته شدند و با یک اشاره سیاسی پاره گشتند. اینها همه شواهدی است که به ما یادآور می‌شود تغییر پارادایم واقعی نه در پشت میزهای وابسته به غرب که در دل مردم و در بازگشت به ایمان و اعتماد به ظرفیت‌های ملی معنا پیدا می‌کند.

دلایل مشروعیت سلاح حزب‌الله

روزنامه اعتماد در بخشی از یادداشت خود درباره مشروعیت سلاح حزب‌الله لبنان با بیان اینکه فلسفه وجودی حزب‌الله از سال ۱۹۸۲ مسلح شدن و ایستادگی در برابر تجاوز و اخراج اسرائیل بود، نوشت: می‌توان گفت سلاح با هویت حزب‌الله گره خورده است. این سلاح برای مقاومت در برابر تجاوزات مکرر اسرائیل به لبنان به کار گرفته شده و تاریخچه حضور حزب‌الله در لبنان نشان داده که حزب‌الله هرگز از آن برای منافع جناحی، گروهی یا طایفاهی استفاده نکرده است و لبنانی‌ها همواره این سلاح را یک سرمایه ملی مردم لبنان تلقی کرده‌اند. این حزب‌الله و سلاحش بود که به رغم ورود آسیب جدی به رهبریتش ترلز ساختاری نداشت و اسرائیل را پشت مرزهای لبنان آنکه داشت! بنابراین به نظر می‌رسد اتخاذ چنین تصمیمی بیش از آنکه در ریشه در نیازهای سیاسی، اجتماعی، امنیتی و واقعیت‌های داخلی داشته باشد، محصول شرایط و فشارهای بیرونی است. نویسنده با اشاره به اینکه موضوع خلع سلاح حزب‌الله و مصوبه اخیر هیئت دولت لبنان را باید در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، اضافه کرده است: در سطح ملی، این موضوع با توازن نیروهای لبنانی حزب‌الله و تأمین امنیت جامعه از ثبات مستقیم دارد. در سطح منطقه‌ای، سلاح حزب‌الله به عنوان عاملی بازدارنده در برابر تجاوزات اسرائیل عمل کرده و نقشی کلیدی در مناعت از زیاده‌خواهی‌های تل‌آویو چه در عرصه نظامی و چه در مذاکرات و فعالیت‌های سیاسی میان لبنان و اسرائیل ایفا کرده است. در سطح بین‌المللی نیز این موضوع با سیاست‌ها و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ گره خورده است. نویسنده ادامه داده است: حزب‌الله، یک تک نیست که با تصمیم رهبرش خود را خلع سلاح کند! سلاح حزب‌الله یک نیاز داخلی بخش مهمی از واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی و امنیتی لبنان است که سبب حفظ استقلال این کشور شده است!

روزنامه جوان

تحلیل



تحلیل «جوان» از رفتار جریانی که خواسته یا ناخواسته در زمین دشمن بازی می‌کند

هجمه به انسجام ملی با اسم رمز «تغییر»

جديدشان دچار آسیب بود.

■ **مردم کجای مطالبات هستند؟!**

آنها سال‌ها با اسم رمز حمایت از مردم، هم تلاش کردند به اقدامات نامشروع خود اعتبار دهند و هم شورش سیاسی، امنیت ملی، استقلال و قدرت ملی را از طرق مختلف هدف قرار داده است. مجموعه بیانیه‌های مختلف از سوی این جریان سیاسی که تغییر پارادایم و پیشنهاد تأسیس مجلس مؤسسان را به یاد رفته امریکا و رژیم‌صهیونیستی در سخنان روحانی مرتبست می‌کند و سخنان ظریف هم آگاهانه، تغییرات پیشدستانه در داخل ایران را راحل عبور از بحران منطقه معرفی می‌کند، به یک نقطه تلاقی می‌رسند و آن تغییرات ضدساختاری در نظام برای رسیدن به مطلوبیت موردنظر امریکاست.

مطالباتی چون رفع حصر و غفو عمومی، اصلاح

رویکرد صدواسوسیم، اصلاح ساختار سیاست خارجی و داخلی، بازسازی تصویر ایران به عنوان یک ملت صلح‌جو و یکپارچه‌سازی در نهادهای تصمیم‌گیری همگی تکرار همان مطالبات نام‌آشنای غیر مدنی و نامشروع سیاسی است که در بطن جریان سیاسی آنها از ابتدا وجود داشته است.

ادبیات تمامی موارد ذکر شده، مبهم و به عمد طوری طراحی شده است که مقصود اصلی خود را تحت لاف‌ه و به دور از صراحت لهجه بگوید.

گرچه این ابهام‌گویی یک دید نظران و تحلیلگران معنا ندارد، اما هم یک مسیر تدافعی را در مقابل نقد صریح و عمیق برای خود به دست دارد، آنها زمینه‌سازی تداوم بیانیه‌ها را از سوی گروه‌ها و افراد دیگر فراهم کنند. از طرفی، چون دولت متبوع شان عنان قدرت را به دست دارد، آنها از صریح‌گویی عدول کرده‌اند تا مبدا با افشایی ماهیت اهداف‌شان از سوی جامعه طرد شوند و به دوران ماقبل افول سیاسی‌شان بازگردند و حیات

حجت‌الاسلام سعیدی: آنچه در باره استاندار مازندران گفتم، نقل قول یک نماینده بود

دفتر عقیدتی – سیاسی فرماندهی معظم کل قوا با ارسال توضیحی در خصوص خطبه‌های نماز جمعه ۲۴ مرداد ماه شهرستان شاهرود، توضیح داد آنچه به نقل از ایشان درباره یکی از استانداران (استاندار مازندران) عنوان شده، صحبت وی نبوده بلکه نقل قول یکی از نمایندگان مجلس بوده است. به گزارش «جوان» در این توضیح تصریح شده است: حجت‌الاسلام علی سعیدی شاهرودی در رابطه با نقل صحبت وی در خطبه‌های نماز جمعه شهر شاهرود اظهار داشت: صحبت اینجانب در مورد یکی از استانداران نقل قول از یکی از نمایندگان مجلس و تقدیر از آن نماینده بود. آنچه نقل شد، صحبت مستقیم اینجانب نبوده است، البته عذرخواهی استاندار مورد نظر و عدول از حرف‌شان قابل تقدیر است اما استدلال ایشان که گفته‌اند:

آخر

دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه

بدون همبستگی داخلی، دستاوردی از مذاکرات نخواهیم داشت، گفت: درست است که در بر خشی بخش‌ها مذاکره می‌تواند مؤثر باشد، اما مهم‌تر از آن،

انکای ما بر ظرفیت‌های داخلی است.
علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در یک برنامه تلویزیونی با اشاره به تجربه جنگ‌های گذشته رژیم‌صهیونیستی با لبنان گفت: در همان زمان که اسرائیل حمله را آغاز کرده بود، حزب‌الله با رشادت و مجاهدت توانست مقاومت کند و اجازه ندهد سرزمین به اشغال در آید. وی افزود: با وجود آنکه اسرائیل سربداران بزرگی را هدف قرار داده و خسارت‌های زیادی وارد کرده بود، حزب‌الله رژیم‌صهیونیستی قادر به پیشروی زمینی نیست. لاریجانی تأکید کرد: حتی اگر اسرائیل از آسمان بمباران کند، در نهایت مجبور است به زمین بیاید و آنجا توان مقابله دارد. دبیر شورای عالی امنیت ملی خاطرنشان کرد: ملت لبنان تصمیم‌گیر اصلی سرنوشت خود هستند، اما جمهوری اسلامی ایران همواره در کنار مردم لبنان و مقاومت بوده است و

امروز نیز از حمایت خود دریغ نخواهد کرد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به تحولات منطقه‌ای و ضرورت حمایت از کشورهای اسلامی تأکید کرد: رویکرد ایران بر کمک و همراهی با ملت‌هاست، نه دیکته کردن تصمیمات. وی گفت: از هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر به لبنان و دیگر کشورها دست‌ور می‌دهند چه کنند، اما روش ما این نیست. ما می‌گوییم کشورها خودشان تصمیم بگیرند، اگر کمکی لازم باشد در کنارشان خواهیم بود. لاریجانی با بیان اینکه امنیت ملی تنها به امور نظامی محدود نمی‌شود، افزود: بسیاری از موضوعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی مذاکرات تخصصی می‌تواند در چارچوب امنیت ملی تأثیرگذار باشد. به گفته لاریجانی، در شرایط فعلی رفع نیازهای اولیه مردم و تقویت انسجام اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نیز این موضوع را به‌طور جدی دنبال می‌کند. وی همچنین با اشاره به مقاومت مردم و نهادهای سیاسی و مدنی در برابر فشارها خاطرنشان کرد: این بزرگواروی صیانت، دستاورد کوچکی نیست و باید از آن

پایان

سرویس سیاسی، ۹۰۰۵۲۳۲۸۵



تحلیل «جوان» از رفتار جریانی که خواسته یا ناخواسته در زمین دشمن بازی می‌کند

هجمه به انسجام ملی با اسم رمز «تغییر»

جریان مدعی با تبلیغاتی کردن بر جام‌واهی و ادعاهای دروغینی چون «رونق اقتصادی» شوک اقتصادی به کشور وارد و بحران اقتصادی را چندین برابر کرد. همین جریان بدهکار اما امروز به جای آنکه پاسخی بر خطای خود داشته و آن را قدرت ایران، کشور را در بحران‌های عمیق فرو بیزند، جالب این است که اصلاً مردم در منشور آنها جایی ندارند، نمونه بارز آن همین بیانیه‌ها و اظهاراتی است که به طور شیادانه تلاش می‌کند مطامع نامشروع حزبی را در قالب مطالبات مردمی جازبند و با نام خواسته مردمی، به ارکان حاکمیت فشار وارد کند. اگر عمیقاً آنها را بررسی کنیم، می‌بینیم که مردم نه تنها جایی در میان آنها ندارند، بلکه تنها به مثابه پلکانی هستند که آنها را به امپال درون حزبی می‌رساند.

رویکرد صدواسوسیم، اصلاح ساختار سیاست خارجی و داخلی، بازسازی تصویر ایران به عنوان یک ملت صلح‌جو و یکپارچه‌سازی در نهادهای تصمیم‌گیری همگی تکرار همان مطالبات نام‌آشنای غیر مدنی و نامشروع سیاسی است که در بطن جریان سیاسی آنها از ابتدا وجود داشته است.

ادبیات تمامی موارد ذکر شده، مبهم و به عمد طوری طراحی شده است که مقصود اصلی خود را تحت لاف‌ه و به دور از صراحت لهجه بگوید. گرچه این ابهام‌گویی یک دید نظران و تحلیلگران معنا ندارد، اما هم یک مسیر تدافعی را در مقابل نقد صریح و عمیق برای خود به دست دارد، آنها زمینه‌سازی تداوم بیانیه‌ها را از سوی گروه‌ها و افراد دیگر فراهم کنند. از طرفی، چون دولت متبوع شان عنان قدرت را به دست دارد، آنها از صریح‌گویی عدول کرده‌اند تا مبدا با افشایی ماهیت اهداف‌شان از سوی جامعه طرد شوند و به دوران ماقبل افول سیاسی‌شان بازگردند و حیات

دفتر عقیدتی – سیاسی فرماندهی معظم کل قوا با ارسال توضیحی در خصوص خطبه‌های نماز جمعه ۲۴ مرداد ماه شهرستان شاهرود، توضیح داد آنچه به نقل از ایشان درباره یکی از استانداران (استاندار مازندران) عنوان شده، صحبت وی نبوده بلکه نقل قول یکی از نمایندگان مجلس بوده است. به گزارش «جوان» در این توضیح تصریح شده است: حجت‌الاسلام علی سعیدی شاهرودی در رابطه با نقل صحبت وی در خطبه‌های نماز جمعه شهر شاهرود اظهار داشت: صحبت اینجانب در مورد یکی از استانداران نقل قول از یکی از نمایندگان مجلس و تقدیر از آن نماینده بود. آنچه نقل شد، صحبت مستقیم اینجانب نبوده است، البته عذرخواهی استاندار مورد نظر و عدول از حرف‌شان قابل تقدیر است اما استدلال ایشان که گفته‌اند:

«مسئله اصلی امروز مردم معیشت و تورم است. بنابراین توقع مردم از مقامات این است که عمده‌اهتمام و عزم خود را برای مسئله اصلی بگذارند.»
مخدوش و غلط است. زبردست است که مسئله اصلی مردم معیشت و تورم و اولویت مسئولان باید همین امر باشد اما مشکل معیشت به معنای تعطیلی احکام یا حکمی از اسلام نیست. در جمهوری اسلامی دولت‌مردان و همه مسئولان باید، هم خود و خانواده آن‌ها عامل به احکام شریعت باشند و هم در سیستم مدیریتی به حاکمیت شریعت ملتزم باشند و هم زمینه دینداری و گسترش ارزش‌ها را فراهم کنند که امام صادق(ع) فرمود: **حَالَ مُحَمَّدٍ خَلَالَ اَبْدَانِیْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ خَلاَمَ حَرَامٍ اَبْدَا اِلَیْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ**».
بنابراین احکام الهی تعطیل‌بردار نیست و تقدم بی‌تفاوتی‌ها و سهل‌انگاری‌ها شرم‌نده نباشیم.

ثانیاً از آقای استاندار و کسانی که در دولت اینگونه فکر می‌کنند باید سؤال کرد چه وقت مشکل معیشت مردم حل می‌شود و چقدر زمان لازم است تا نوبت به احکام الهی از جمله حجاب برسد. باید توجه داشت به بهانه تأمین معیشت مردم نباید نسبت به برهنگی بی‌تفاوت بود. ثالثاً سؤال دیگر این است آیا رابطه و ملازمت‌های بین معیشت و فرهنگ و دینداری وجود دارد؟ که هر کس معیشتش بهتر شد دیندارتر و ملتزم‌تر ارزش‌های اجتماعی باشد. واقعیت‌ها نشان می‌دهد چنین رابطه‌ای نیست و برخی از افراد که وضع زندگی آنها بهتر شده تقدید آنها به ارزش‌ها کمتر شده است. امید است، مسئولیت همه ما، در حکومت دینی، وزر و وبال ما و زمینه‌ساز عذاب الهی نشده و در پیشگاه الهی به علت کم‌کاری‌ها، ترک فعل‌ها، بی‌تفاوتی‌ها و سهل‌انگاری‌ها شرم‌نده نباشیم.

مراقبت شود. لاریجانی تأکید کرد که در کنار

آمادگی‌های نظامی و امنیتی، باید حوزه‌های آسیب‌پذیر کشور بازرسازی شود. درست است که در برخی بخش‌ها مذاکره و کمک خارجی می‌تواند مؤثر باشد، اما مهم‌تر از آن، انگای ما

بر ظرفیت‌های داخلی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است تا دست کشور در عمل پر باشد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی در تبیین رویکرد این نهاد به مسائل کشور تأکید کرد: امنیت ملی صرفاً به موضوعات نظامی یا منطقه‌ای محدود نمی‌شود، بلکه یک مقوله همه‌په‌یوسته است. وی

گه‌ایجاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی

را نیز دربرمی‌گیرد، وی با اشاره به پیوند امنیت داخلی با سیاست خارجی گفت: ممکن است

در حال مذاکره هسته‌ای یا بین‌المللی باشیم،

اما اگر در داخل انسجام ملی نداشته باشیم،

این مذاکرات توفیق نخواهد داشت. برعکس،

لاریجانی گفت: توسعه اقتصادی به‌ظاهر

موضوعی مستقل از امنیت ملی است، اما وقتی

به‌صورت درهم‌تنیده دیده شود، در پایداری

پایان

نقدی بر بیانیه جبهه اصلاحات

به جای «قطبی‌سازی»

توافق‌های راهگشا بسازید

محمدرضا جلالی‌پور، عضو مرکزی جبهه اصلاحات در یادداشتی انتقادی، بیانیه جبهه اصلاحات را خطا و بازگشت خوش خیالانه به نظام تک‌قطبی لیبرال جهانی توصیف کرده است.

از منظر اصلاح‌گرانه برایم چند پرسش از نویسندگان بیانیه جبهه اصلاحات مطرح شد که برای مشارکت در گفت‌وگوی عمومی و درون‌جریانی به اختصار می‌پرسم: این بیانیه اگر قبل از دفاع میهنی ۱۲ روزه و قبل از نسل‌کشی غزه و حتی قبل از بهار به‌خزان کشیده عربی نوشته می‌شد، دقیقاً چه فرق مهمی می‌کرد؟ آیا این اتفاقات بزرگ نباید تأثیر در بخشی از محتوا و رویکرد متن نیروی سیاسی ملی بگذارد؟ آیا بازگشت به تنظیمات کارخانه‌ای قبل از جنگ فقط برای حکمرانان خلاصت و برای نیروهای سیاسی مطلوب است؟

چرا متن گویی در دهه ۹۰ میلادی و غلبه خوش‌بینی/خوش‌خیالی به نظم تک‌قطبی لیبرال جهانی نوشته شده است و هیچ ردی از تغییرات صحنه جهانی و افزایش قدرت چین و ضرورت بیشتر پیمان‌ها و ائتلاف‌سازی‌های جدید منطقه‌ای در آن دیده نمی‌شود؟ آیا نیروی سیاسی نباید متناسب با درس‌آموخته‌های منطقه و جهان چارچوب‌های تحلیلی و فرض‌های نظری و زبان و رفتارشر را روزآمد کند؟ مثلاً اگر این بیانیه نه برای ایران ۱۴۰۴ در ایسن منطقه بعد از درس‌آموخته‌های توسعه‌های توافق‌محور جهان و شکست‌های گذارهای منطقه و شکست‌های اجماع واشینگتنی، بلکه قرار بود مثلاً چند دهه قبل برای کره‌جنوبی وابسته امریکا در برابر کره‌شمالی وابسته شوروی نوشته شود، چه تفاوت رویکردی می‌داشت؟ یا مثلاً اگر ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا نبود و همین چند هفته پیش وسط مذاکرات با جنگنده B2 ایران را بمباران نکرده بود یا نسل‌کشی نشده بود متن این بیانیه چه تفاوتی می‌داشت؟ یا اگر راهبر فشارمحور و گذاری بخشی از نیروهای سیاسی بیانیه چه فرقی می‌داشت؟ بیانیه «جام‌زهر» مجلس ششم چه اشکالی داشت که عملاً راهگشا نشد و با چه تحلیلی تکرار همان محتوا و لحن و رویکرد سوده‌محسوب می‌شود؟ آیا ایران فقط بین دو گزینه تسلیم و جنگ مخیر است؟ آیا گزینه سومی که می‌تواند طراحی و خلق شود، نباید در متن توضیح داده شود؟ فرض کنیم ایران حتی به سبک جولانی یکسره تسلیم شود، آیا همانطور که نتانیاهو به قوای دفاعی سوریه، آن همه حین مذاکرات جولانی با نتانیاهو و به رغم حمایت ترامپ از او حمله کرد، به بهانه دیگری به ایران حمله نظامی یا اقتصادی نخواهد شد؟ چرا بعد از حمله دو قدرت اتمی به ایران و در کنار تأکید بجا بر ضرورت ابتکار عمل دیپلماتیک و ذی‌نفع‌سازی اقتصادی همسایگان و قدرت‌های جهانی در رشد و امنیت ایران و افزایش رضایت عمومی و همبستگی ملی، در متن بیانیه تأکید بر ضرورت تقویت قوای نظامی و دفاعی ایران نمی‌شود؟ یا تصویر نویسندگان از اقتضانات امنیت ملی ایران در ایسن منطقه و جهان زیاده‌ساده‌انگارانه و عقب‌مانده از زمان نیست؟

۱۱ پیشنهاد متن شامل لوازم افزایش تاب‌آوری اقتصادی محروم‌ترین شهروندان ایران – مهم‌ترین قربانیان جنگ – نمی‌شود و صرفاً رضایت طبقه متوسط و فرادستان اقتصادی را هدف می‌گیرد؟ در متن، نظام به ترک «تخاصم خارجی» دعوت شده است. آیا این خاصه‌جو ایران است که در حال مذاکره با امریکا بود یا نتانیاهو و ترامپ که به ایران حمله تجاوز کارانه کردند؟

آنچه در بیانیه به عنوان نقشه راه ذکر شده در واقع فهرست اهداف و ارزش‌های جبهه نیست! آیا نیروی سیاسی صلح‌نابید از فهرست کردن اهداف فراتر برود و زبان و مسیر متناسب با تحقق شان و گشایشگری عملی را برگزیند؟ اگر نقشه راه ممکن و متناسب با ظرفیت‌ها بود، آیا نباید در موارد متعددی که در سه‌سال‌های قبل تقریباً بدون تفاوت در محتوا و زبان فهرست شده بودند، محقق می‌شدند؟ اگر از دو موردی که علاوه بر «امکان» در «مطلوبیت»‌شان هم تردید هست بگذریم، گام‌های غیر آرزونابیشانه و برنامه‌جبهه برای تحقق این اهداف چیست؟

آیا شرایط پرخطرله ایران و مسائل انباشته کشور نمی‌طلبد که جبهه اصلاحات با بازاندیشی راهبردی، رقبای سیاسی‌اش را بخشی از راه حل کند (و نه صرفاً بخشی از مسئله) و با روش و زبانی سیاست‌بوزره که بتواند به جای قطبی‌سازی، توافق‌های راهگشا بسازد و کار گزار اصلاح عملی شود (به جای صرف طلب اهداف رادیکال) و در نظر رقبایش هم اصلاح‌گران بخشی از راه‌حل شوند و نه بخشی از مسئله؟

پایان

از تهران تا بیروت، زنده باد مقاومت

«آن که در نهایت پیروز است، قدرت ایمان است و صاحبان ایماند. لبنان نهاد مقاومت است و پیروز خواهد شد، یمن هم نهاد مقاومت است و پیروز خواهد شد و ان‌شاءالله دشمن و متجاوزان، در راه سس آنها امریکای طامع و جت‌انگرا، مجبور خواهند شد دست از سر مردم منطقه و ملت‌های منطقه بردارند و با ذلت از این منطقه ان‌شاءالله خارج بشوند». این جملات، بیانات حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای است که در دی‌ماه ۱۴۰۳ به نوعی راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرد. حمایت از مقاومت ملی در مقابل مت‌های مبارزه با نفوذ و حضور استعمرای قدرت‌های استکباری در کشورهای منطقه سفرآخر دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به عراق و لبنان را نیز می‌توان از این زاویه دید و مورد تحلیل قرار داد. این سفر در روزهایی انجام شد که بیروت در متن فشارهای خارجی و طرح‌های اشکار و پنهان امریکابرای خلع سلاح مقاومت یعنی حزب‌الله قرار دارد.

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR نوشته است: از آغاز دولت جدید لبنان، هیئت‌های عالی‌رتبه ایرانی چندین بار به بیروت رفتند و به همبستگی با ملت لبنان و مقاومت تأکید کردند،

اما این سفر به دلیل شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه و همچنین ماجرای ذکر شده سلاح حزب‌الله، با تعلق‌ها و مواضع دکتر لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران جایگاه ویژه‌ای یافت. او سیاست دیرینه جمهوری اسلامی را بی‌پرده بیان کرد: حمایت از مقاومت، تقویت دولت‌های مستقل، نفی هرگونه دخالت در امور داخلی لبنان و کمک در صورت درخواست رسمی دولت. تأکید بر اینکه «دشمن حقیقی لبنان، رژیم‌ی است که به ما آنهاحمله کرده است» و دخالت‌کننده در امور داخلی لبنان «دولتی است که هزاران کیلومتر دورتر طرح و زمامبندی می‌دهد»، هشدارای بود که تبلیغات دشمن نباید جای دوست و دشمن را جایله‌خند.

این مواضع، همان خط مشی ۴۰ ساله‌ای است که رهبر انقلاب بر آن تأکید کرده‌اند: سیاستی که محور مقاومت را نه شبکه‌ای یبانیی، بلکه جریانی اصیل و برخاسته از اراده ملت‌ها می‌داند و بر اساس این واقعیت منطقه‌ی است که حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و دیگر گروه‌های مقاومت، امتداد طبیعی خواست ملت‌های خود هستند و موجودیت آنها با تصمیم هیچ دولت یا ائتلافی حذف‌شدنی نیست. در منطقه جنوب غربی آسیا فقط یک رژیم یبانیی وجود دارد و آن، رژیم صهیونی غاصب فاند است که به نیابت از استعمارگران آتش‌افروزی می‌کند، نسل‌کشی می‌کند، جنایت می‌کند و اگر دشتش برسد به کشورهای دیگر تجاوز می‌کند و این است که مردان شرافتمند در یمن و عراق و لبنان و فلسطین را به میدان مبارزه با این رژیم منحوس تحمیلی صهیونیستی می‌کشاند؛ مبارزهای که تاانجام کار پیش خواهد رفت، حتی النصر باذن الله تعالی.